

با سلام و تشکر از زحمات خالصانه آقای شهبازی و خانواده محترم گنج حضور.  
شرعی کوتاه بر بیت ۷۷۳ از دفتر پنجم مثنوی:

از خدا غیر خدا را خواستن  
ظن افزونی است و کلی کاستن  
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۷۷۳

چرا ما باید از خداوند فقط خودش را بخواهیم؟

مولانا معتقد است که در پس همه پدیده‌های این عالم، وجودی است کامل، آگاه، نامتناهی و دارای همه صفات و اسمای حسنی. او این وجود را «خدا» می‌نامد. خداوند خالق است که همه کائنات را از «عدم» و فقط به اراده خویش آفریده است. او عقل کل است، نور نوریست که از همه اوهام و تصویرها دور است، امن از ریب‌المنون است، عقلی است که بخشش یزدان است، این عقل بسیار شریف و پسندیده و راه‌گشاست. عقلی که از تشنیه عوام نمی‌اندیشد و نور نور نور است. عقلی که رشاد است و بی‌غبار.

عقلی که تمیز دهنده و شناسایی کننده است. به قول خانم آیدا مثل خلبانی است که از بالای جو به همه چیز احاطه دارد و خوب و بد ما را تشخیص می‌دهد.

عقل جزئی گاه چیره گه نگون  
عقل کلی ایمن از ریب المنون  
مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۱۴۵

و در مقابل عقلی است جزوی و ناقص که با عینک همانندگی‌ها می‌بیند و حیطه دید او بسیار محدود و نزدیک است. این عقل چاله را از چاه همانندگی‌ها تشخیص نداده و غبارآلود است. این عقل حقیقت‌بین نیست فقط به ظاهر و قالب چیزها توجه دارد. او به دنبال بیشتر کردن جسم و داشته‌های خود است. به دنبال بزرگ کردن و مطرح خود است که بیش‌تر باعث گران‌جانی و زمین‌گیری می‌شود.

در عوض عقل کلی که ایمن از تمامی این آسیب‌هاست به دنبال بیش‌تر کردن جان آدمی و پرورش و بالنده ساختن آن است.

بار دیگر از شما می‌پرسم:

چرا باید از خداوند تنها خودش را بخواهیم؟

زیرا که آدمی در این عالم برای کاری آمده است و مقصود. اگر بخواهیم در این دنیا که جایگاه معامله و داد و ستد است، مغبون نشویم و آنچه دریافت می‌کنیم، ارزش از دست دادن آن سرمایه الهی را داشته باشد، به فرمایش حضرت علی باید آن چیزی را از خدا بخواهی که جمال و نیکی آن برایت بماند و وبال و آزارش از تو دور ماند.

ما در هر حال عمر خود را خرج می‌کنیم مانند یخ‌فروشی که یخ‌هایش آب می‌شود، سرمایه عمر از یک طرف از دست می‌رود، حال در قبال آن چه می‌گیریم؟

افسوس که عمری بی اغیار دودیم  
از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم  
میرزای نوغانی خراسانی

خداوند در سوره ابراهیم آیه ۷ می‌فرماید:

-«لئن شکرتم لازیدنکم»  
-قرآن کریم، سوره ابراهیم(۱۴)، آیه ۷

«اگر شکرگزار باشید خودتان را بیش‌تر می‌کنید.»

شکرگزاری قوی‌ترین ارتعاش به جهان هستی است، هرچه قدر بیش‌تر بابت نعمت‌ها ما شکرگزار خداوند باشیم، نعمت‌های بیشتری طبق قانون جذب وارد زندگی‌مان خواهد شد.

انسان شکرگزار کسی است که تمام توجهش بر روی موضوعات مثبت زندگی است. موضوعاتی که باعث می‌شود احساس خوبی در ما ایجاد شود و همین

احساس خوب کارش را می‌کند. با شکرگزاری و تسلیم و پذیرش اتفاق در لحظه ما می‌توانیم هم به خواسته‌های جسمی و دنیوی خود دست یافته و آن‌ها را افزایش دهیم و با فضاگشایی و عدم کردن مرکزمان، جان اصلی خود را قوت بخشیده و بیش‌تر کنیم.

شکر نعمت خوش‌تر از نعمت بود  
شکر باره کی سوی نعمت رود  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۲۸۹۵

وقتی شکرگزار هستیم و قدردان نعمت‌ها، وقتی به نمی‌دانم‌های خود اعتراف می‌کنیم و ایمان داریم که او دانای کل است در این صورت اطمینان داریم که هر چه از دوست می‌رسد نیکوست و به‌جاست و به‌اندازه است و هر لحظه راضی و مرضی، خشنود و خرسند از عطایای او و گنج نفیسی که در درون داریم، تبدیل می‌شویم به یک شکرگزار حرفه‌ای که بدون علل و اسباب ذهنی در کارگاه صنع خداوند در حال تولید هستیم؛ تولید شادی بی‌سبب، تولید خرد، تولید برکت، تولید عشق، تولید قدرت، تولید ثروت.

در داستان معروف عقاب می‌گوید، عقاب از کلاغ پرسید که چکار کنم مانند شما عمر طولانی داشته باشم؟ کلاغ در پاسخ گفت: نجاست بخور و زیاد اوج نگیر، در ارتفاعات پایین پرواز کن، عقاب چند روزی به توصیه کلاغ عمل می‌کند ولی برایش بسیار سخت و طاقت‌فرسا می‌شود، نزد کلاغ می‌آید و می‌گوید:

سال‌ها باش و در این عیش بساز  
تو و مردار و تو و عمر دراز

من نیم در خور این مهمانی  
گند و مردار تو را ارزانی

گر بر اوج فلکم باید مُرد  
عمر در گند به‌سر نتوان برد

شعر از پرویز خانلری

با احترام - وفا